

رساله‌ عملیه‌ سیاسیه؛ چیستی و ضرورت

فرهاد زیویار*

محمد رضا سنگ سفیدی**

چکیده

یک مسلمان (به‌طور خاص شیعه) برای زیست عملی خود مبتنی بر دین (فارغ از مباحث معرفتی و اعتقادی)، باید بر اساس «رساله‌ عملیه» رفتار کند. این رسایل تعیین‌کننده و جوه ۵ گانه افعال یک فرد مسلمان (واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام) است. امروزه ساحت زیست انسان فراتر از حوزه فردی بوده و عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی بخش جداناپذیری از زندگی مسلمانان شده است؛ در این عرصه نیز یک مسلمان باید بر اساس دین عمل کند. از طرفی رساله‌های عملیه موجود عمدتاً به حوزه زندگی فردی پرداخته‌اند تا عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا در عرصه زندگی اجتماعی و به‌طور خاص عرصه زندگی سیاسی نیز می‌توان از رساله‌هایی صحبت کرد که مانند رساله‌های عملیه در حوزه فردی عمل کنند؛ یعنی تعیین‌کننده و جوه ۵ گانه رفتار مسلمانان در عرصه سیاسی باشند. تبیین ماهیت این رسایل مبتنی بر ویژگی‌هایشان و ضرورت وجود آنها، محورهای اصلی مقاله حاضر است.

کلیدواژه‌ها: دین، سیاست، فقه، رساله‌ عملیه، رساله‌ عملیه‌ سیاسیه

۱. مقدمه

هر فرد و جامعه‌ای برای زندگی خود نیازمند چارچوب و قواعدی است. فرق نمی‌کند این جامعه دارای چه اعتقاد و باورهایی است. اعتقادات، باورها، اصول، مبانی و ...

* استادیار پژوهشکده علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. zivyar@ihes.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (نویسنده مسئول)

mr_sangsefidi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۵

درواقع تعیین کننده نوع چارچوب و قواعد زندگی است نه تعیین کننده ضرورت آن. جامعه و فردی که تصمیم دارد دینی زندگی کند، طبیعی است که زندگی خود را مبتنی بر چارچوب‌ها و قواعد دینی سازمان می‌دهد.

در یک تقسیم‌بندی، برای زندگی یا زیست عملی انسان می‌توان قائل به دو ساحت بود؛ ساحت زندگی فردی و ساحت زندگی اجتماعی. در ساحت زیست عملی فردی، مسلمان زیستن دارای چارچوب و قواعدی است که تعیین می‌کند یک مسلمان باید چگونه زیست کند. وظیفه تعیین آن، توسط فقه و در قالب رساله‌های عملیه می‌باشد.

همان‌طور که در ساحت زیست عملی فردی مسلمان زیستن دارای چارچوب و قواعدی است، آیا در ساحت زیست اجتماعی و به‌طور خاص در ساحت زیست سیاسی نیز می‌توان از چارچوب‌ها و قواعدی صحبت نمود که مبتنی بر آن‌ها بتوان در ساحت زندگی سیاسی نیز «دینی» زیست؟ به تبع پرسش از وجود چنین چارچوب‌ها و قواعدی می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا رساله‌هایی داریم که در عرصه زیست سیاسی تعیین کند باید چگونه رفتار کنیم تا رفتارمان دینی تلقی شود؟ چارچوب‌ها و قواعد کنش و رفتار دینی در حوزه زیست سیاسی چیست؟ دین چه تکالیفی را در این حوزه تعیین نموده؟ افعال و کنش‌های حلال و حرام و مستحب و مکروه و مباح در این حوزه چه هستند؟ آیا همان‌طور که در حوزه زیست فردی، در قالب رساله‌های عملیه، تکلیف فردی که می‌خواهد دینی زیست کند مشخص شده، در حوزه زیست سیاسی نیز رساله‌های عملیه‌ای وجود دارد که تکلیف را روشن کرده باشد؟

پیش از پرداختن به بحث و جواب چنین رسایلی باید به این نکته اشاره کرد که در باب ضرورت ورود رساله عملیه به عرصه سیاسی و اجتماعی تاکنون مباحثی مطرح شده است. شهید صدر از جمله اندیشمندانی است که به این موضوع پرداخته و حتی در مقدمه رساله عملیه خود که با نام «الفتاوی الواضحه» شناخته می‌شود به این موضوع اشاره کرده است. دیدگاه‌های ایشان در این زمینه به‌اجمال در مقاله «رساله‌های عملیه در بوته نقد شهید صدر» نوشته ولی‌الله ملکوتی فر (۱۳۸۵) بیان شده است. از دیگر آثاری که به این موضوع پرداخته‌اند مقالات «مروری بر رساله‌های عملیه (۱) و (۲)» نوشته عباس یزدانی (۱۳۷۶-۷۷) است. ایشان در این مقالات مستقیماً رساله‌های عملیه موجود را از باب پرداختن به مسائل اجتماعی و سیاسی به نقد کشیده و خواستار ورود این رسایلی به حوزه سیاسی و اجتماعی شده است.

این قسم رسایل عملیه که به مباحث سیاسی پرداخته‌اند را در ابتدا و در یک وضع مفهوم اولیه می‌توان «رساله عملیه سیاسی» نامید. خود این مفهوم از آن قسم مفاهیم کم‌کاربرد می‌باشد که کمتر می‌توان در سپهر واژگانی سیاست و دیانت چنین مفهومی را یافت. همین امر باعث شده نتوان در تقسیم‌بندی رسایل مختلف، سرفصلی را به این نام تعیین کرده و رسایلی را ذیل آن قرار داد. لذا اولین کاری که باید در این زمینه انجام داد تبیین این مفهوم است. در راستای تبیین چنین مفهومی، مبتنی بر چارچوب نظری، از طریق ویژگی‌های «رساله عملیه سیاسی» ورود پیدا کرده و با تبیین ویژگی‌ها، چیستی این رسایل تبیین شده و سپس جهت مشخص کردن اهمیت و جایگاه آن‌ها، ضرورت چنین رسایلی برشمرده می‌شود.

نکته حائز اهمیت پیش از ورود به بحث اصلی آن است که موضوعیت یافتن بحث «رساله عملیه سیاسی» در عرصه جامعه زمانی مطرح می‌شود که ما پیوند دین و سیاست را به‌عنوان پیش‌فرض پذیرفته باشیم. در این صورت است که برای پیاده شدن بخشی از ابعاد دین در عرصه زندگی سیاسی می‌توانیم از مفهومی به نام «رساله عملیه سیاسی» صحبت کنیم. اصولاً برای فردی که قائل به پیوند دین و سیاست نبوده و ساحت این دو را از هم مجزا می‌داند بحث «رساله عملیه سیاسی» موضوعیت ندارد. لذا در این مقاله پیوند دین و سیاست را به‌عنوان یک پیش‌فرض پذیرفته‌ایم.

همچنین در این مقاله قصد ورود به مصادیق رساله عملیه را نداریم. چراکه ابتدا باید مفهوم موردنظر را به‌اندازه کافی روشن کرد و پس‌از آن وارد مصادیقش شد؛ که آن‌شاه‌الله این امر در نگارش‌هایی که در آینده در تبیین مصادیق «رساله عملیه سیاسی» انجام خواهد شد صورت می‌گیرد.

در بحث روش‌شناسی نیز باید گفت با توجه به آنچه بیان شد این پژوهش از لحاظ هدف، در زمره تحقیقات بنیادی نظری قرار داشته و از لحاظ گردآوری اطلاعات از قسم پژوهش‌های توصیفی بوده که مبتنی بر روش کتابخانه‌ای (اسنادی) داده‌های خود را جمع‌آوری نموده است.

۲. چارچوب نظری

در تبیین «رساله عملیه سیاسی» در واقع می‌خواهیم مفهوم جدیدی را برای مصادیقی خاص وضع کنیم. به تعبیر دیگر می‌خواهیم «اطلاق مفهوم» داشته باشیم؛ یعنی مفهومی جدید-یا حداقل بسیار کم‌کاربرد- را که عبارت است از «رساله عملیه سیاسی» وضع

کرده و آن را به یک سری مصادیق نسبت دهیم. در حوزه «اطلاق مفهوم» با سه نظریه مواجه هستیم: «نظریه ماهیت گرایی»، «نظریه شباهت خانوادگی» و «نظریه انگاره». پروفیسور محمد لگنهاوزن (Mohammad Legenhausen) در تبیین این سه نظریه بیان می‌دارد:

«سه نوع رایج نظریه اطلاق مفهوم عبارت است از: «ماهیت گرایی»، «شباهت خانوادگی» و «انگاره».

بنا بر نظریه «ماهیت گرایی»، ما مفهوم خصوصیت مثالی P را پس از آشنا شدن با برخی از اشیا که گفته می‌شود آن خصوصیت را واجدند، شکل می‌دهیم. ما می‌آموزیم که مفهوم را به دیگر اشیا تعمیم دهیم؛ بدین سان که از این گروه ملاکی را انتزاع می‌کنیم که همه اعضای این گروه و تنها این اعضا در آن شریک‌اند.

بنا بر نظریه «شباهت خانوادگی»، فرد مفهومی را که در یک نمونه اولیه به کاررفته است به دلیل ملاحظه شباهت‌های متعددی تعمیم می‌دهد، به گونه‌ای که هر عضوی در نمونه اولیه در برخی از این قبیل وجوه با برخی دیگر از اعضا شباهت دارد.

طبق نظریه «انگاره»، یک مفهوم با خصوصیتی پیوند دارد که گمان می‌رود به گونه‌ای عالی بر موردی و یا افرادی از یک مجموعه از موارد منطبق باشد... یک نظریه پرداز انگاره گرا می‌تواند برای قضاوت در این مورد که چه موقع شباهت برای اطلاق موفق یک انگاره کافی است از استعدادی ذاتی کمک بجوید.^۱ (لگنهاوزن، ۱۳۷۵: ۳۵)

با توجه به نظریات مطرح در حوزه «اطلاق مفهوم» به نظر می‌رسد مناسب‌ترین و کاربردی‌ترین نظریه برای پژوهش در بحث تبیین مفهوم جدید رساله عملیه سیاسی «نظریه انگاره» باشد. البته این به معنای رد یا ناکارآمدی نظریات «شباهت خانوادگی» و «ماهیت گرایی» نیست، بلکه به نظر می‌رسد «نظریه انگاره» به شکل ساده‌تر و ملموس‌تری به کار ما در این امر می‌آید. بر اساس این نظریه می‌توان اقدام به شکل دادن مفهوم «رساله عملیه سیاسی» مبتنی بر آشنا شدن با برخی ویژگی‌هایی (خصوصیت) که این رسایل دارند کرد. پس از آنکه این مفهوم در حد مطلوب و قابل قبول شکل گرفت می‌توان مبتنی بر نظریه «ماهیت گرایی» آن را «به دیگر اشیا [رساله‌ها] تعمیم دهیم؛ بدین سان که از این گروه ملاکی را انتزاع می‌کنیم که همه اعضای این گروه و تنها این اعضا در آن شریک‌اند.^۲ (لگنهاوزن، ۱۳۷۵: ۳۵)

۳. مفهوم‌شناسی رساله عملیه سیاسی

در شناخت مفهوم «رساله عملیه سیاسی» ابتدا باید نگاهی به مفهوم «رساله عملیه» داشت. شناخت «رساله عملیه» مقدمه ورود به بحث اصلی، یعنی شناخت «رساله عملیه سیاسی» است؛ چرا که «رساله عملیه سیاسی» در ابتدا یک «رساله عملیه» بوده و در گام بعد با وارد شدن به ساحت زندگی سیاسی، ماهیت «رساله عملیه سیاسی» را می‌یابد. اگر علم فقه را علم بیان احکام عمل مکلفان بدانیم (اعرافی، ۱۳۹۰: ۸۸) اصلی‌ترین منبعی که این احکام در آن بیان می‌شود «رساله عملیه» می‌باشد. «رساله‌های عملیه» که با نام «توضیح المسائل» نیز شناخته می‌شوند منابعی هستند که احکام شرعی را در خصوص اعمال مسلمین در اختیار آن‌ها قرار داده و تعیین‌کننده وجوه ۵ گانه افعال یک فرد مسلمان (واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام) هستند. این رسایل به این دلیل به نام «رساله عملیه» خوانده می‌شود که «اعمال دینی» در آن وارد شده است.

اصولاً اگر فرد مسلمانی در اینجا منظور شیعیان است - مرجع تقلیدی نداشته باشد که به رساله او عمل کند، کلیه اعمال او دچار اشکال می‌باشد. همین رساله‌های عملیه هستند که تعیین می‌کنند کدام افعال دینی و کدام غیردینی بوده و مردم به کدام فعل اگر عمل کنند تکلیف و وظیفه دینی خود را انجام داده‌اند و به کدام فعل عمل نکنند. حرجی بر ایشان نیست و گناهی مرتکب نشده‌اند. رساله‌های عملیه در واقع دستورالعمل‌هایی است که یک فرد مسلمان اگر بخواهد بر اساس اسلام رفتار نماید باید حتماً طبق آن دستورالعمل‌ها رفتار نماید؛ تا جایی که این رسایل را «آیین نامه زندگی فرد مسلمان» دانسته‌اند. (یزدانی، ۱۳۷۶: ۲۱۱) در تبیین این مطلب باید بیان داشت که در ساحت زیست فردی، مسلمان زیستن دارای چارچوب و قواعدی است که تعیین می‌کند یک مسلمان باید چگونه زیست کند. وظیفه تعیین آن، توسط فقه و در قالب رساله‌های عملیه می‌باشد.

پس از روشن شدن مفهوم «رساله عملیه» می‌توان سراغ مفهوم «رساله عملیه سیاسی» رفت. در بحث «رساله عملیه سیاسی» چندان مباحث قابل توجهی وجود ندارد. اصولاً این مفهوم از قسم مفاهیم کم‌کاربرد می‌باشد. با این تفاسیر با یک تعریف مشخص شروع کردن کمی مشکل است، لذا باید سراغ ویژگی‌ها و خصوصیات این رسایل رفت تا با تبیین آن‌ها ماهیت این رسایل نیز مشخص شود؛ اما بازهم می‌توان با یکسری تعاریف کلی و اولیه کار را شروع کرد.

در ابتدا باید بیان داشت آنچه در رساله عملیه مطرح است بیشتر (نه مطلق) جنبه فردی دارد؛ یعنی مطالب این رساله‌ها غالباً در حوزه افعال فردی مانند چگونه نماز خواندن، چگونه طهارت گرفتن، چگونه غسل و کفن کردن، چگونه ازدواج کردن (چه صیغه ای خوانده شود) و ده‌ها و صدها نمونه از این احکام فردی است. اما اگر یک مسلمان خواست در حوزه افعال سیاسی و اجتماعی نیز به حکم دین عمل کند آن وقت چه؟ اگر از زاویه‌ای دیگر بنگریم به اهمیت مسئله بیشتر پی خواهیم برد. یک مسلمان - مسلمان به ماهو مسلمان فارغ از شخصیت‌های حقوقی کسب‌شده - می‌داند تکالیفش چیست؛ رساله عملیه به خوبی این را مشخص نموده است. اما یک مسلمان وقتی در مقام دانشجوی، کارمند، شهروند و ... قرار می‌گیرد، نمی‌داند در این شخصیت‌ها به‌طور مشخص تکالیفش مبتنی بر دین چیست؛ همان‌گونه که در حوزه‌ی فردی تکالیفش مشخص است. در نگاه کلی تر، یک مسلمان در مقام کنش‌گر سیاسی و اجتماعی، چه تکالیفی بر عهده دارد و چه تفاوتی با غیرمسلمان در آن مقام دارد؟ همان‌طور که در حوزه فردی (مانند احوال شخصیه) با یک غیرمسلمان متفاوت است. در اینجا است که مفهوم «رساله عملیه سیاسیه» موضوعیت می‌یابد. در یک بیان کلی می‌توان گفت «رسایل عملیه سیاسیه»، در واقع رسایلی هستند که تکلیف شیعیان را در حوزه عمل سیاسی روشن می‌کنند. در مذهب تشیع، مانند رساله‌های عملیه ای که تعیین‌کننده چارچوب اعمال و رفتار شیعیان در عرصه فردی و احوال شخصیه هستند، می‌توان از ماهیت رساله‌های عملیه ای صحبت کرد که تعیین‌کننده اعمال و رفتار شیعیان در عرصه سیاسی است و می‌توان آن‌ها را «رساله‌های عملیه سیاسیه» نامید. این رسایل تعیین می‌کنند در عرصه زیست سیاسی باید چگونه رفتار کنیم تا رفتارمان دینی تلقی شود؛ چارچوب‌ها و قواعد کنش و رفتار دینی در این حوزه چیست؛ دین چه تکالیفی را در این حوزه تعیین نموده؛ افعال و کنش‌های حلال و حرام و مستحب و مکروه در این حوزه چه هستند. همان‌طور که در حوزه زیست فردی، در قالب رساله‌های عملیه، تکلیف فردی که می‌خواهد دینی زیست کند مشخص شده، در حوزه زیست سیاسی نیز «رساله‌های عملیه سیاسیه» تکلیف را روشن می‌کنند. به تبع رساله عملیه که آن را «آیین‌نامه زندگی فرد مسلمان» دانسته‌اند، رساله عملیه سیاسیه را می‌توان «آیین‌نامه زندگی سیاسی فرد مسلمان» دانست.

اولین بار آیت‌الله طالقانی در توصیف کتاب «تنبيه الامه و تنزيه المله» نائینی از این تعبیر استفاده نمودند؛ آنجا که بیان داشتند: «این کتاب برای علما و مجتهدین کتابی استدلالی

رساله‌ عملیه‌ سیاسی؛ چپستی و ضرورت ۳۵

و اجتهادی و برای عوام رساله تقلیدی راجع به وظایف اجتماعی [و سیاسی] است.^۹ از آنجاکه هدف ما در این پژوهش عرصه زندگی سیاسی است لذا مفهوم «رساله تقلیدی راجع به وظایف سیاسی» را مبنا قرار می‌دهیم و به تبع آن از مفهوم «رساله عملیه سیاسی» صحبت می‌کنیم.

پس از روشن شدن کلی مفهوم «رساله عملیه سیاسی»، مبتنی بر «نظریه انگاره» برخی ویژگی‌های اساسی این مفهوم را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا بر اساس آن بتوان شناخت بیشتری را نسبت به این مفهوم به دست آورد.

۴. ویژگی‌های رساله عملیه سیاسی

برای رسایل عملیه سیاسی ویژگی‌های متعددی می‌توان برشمرد، لکن این امر مقال فراخ‌تری را می‌طلبد که بتوان به تفصیل در مورد آن بحث نمود؛ از این‌رو در این مقاله سه ویژگی عمده این رسایل را مطرح می‌کنیم. سه ویژگی مطرح شده را می‌توان به عنوان مبانی مَقوم ماهیت رساله عملیه سیاسی مد نظر قرار داد.

۴-۱. در چارچوب فقه بودن

در چارچوب فقه قرار داشتن اولین و مهم‌ترین ویژگی «رساله عملیه سیاسی» است. آنچه «رساله عملیه سیاسی» را از بقیه متون سیاسی سایر نویسندگان جدا می‌کند آن است که توسط یک فقیه و در چارچوب مباحث فقهی نگاشته شده باشد؛ این دو ویژگی اصلی یک «رساله عملیه سیاسی» هستند. آنچه در اینجا نقش اساسی دارد روش حاکم بر تدوین «رساله عملیه سیاسی» است که باید از اسلوب فقهی تبعیت کند لذا این شرط که باید یک فقیه رساله عملیه سیاسی را به رشته تحریر درآورد به اسلوب نگارش فقیهانه برمی‌گردد، نه آنکه صرف نگارش یافتن یک متن سیاسی توسط فقیه آن را تبدیل به «رساله عملیه سیاسی» می‌کند. به معنای دیگر، مطالبی که یک فقیه در چارچوب اندیشه سیاسی یا فلسفه سیاسی خویش به رشته تحریر درمی‌آورد در قالب «رساله عملیه سیاسی» قرار نمی‌گیرد.

سیاسی بودن نیز بدان معنا است که در این رسایل، فقیه تکالیف مسلمانان را در عرصه حیات سیاسی با نگاهی فقهی و با بیان و اسلوب و چارچوب رساله‌های عملیه روشن می‌کند. به تعبیر دیگر این رسایل مستقلاً به رفتار سیاسی از منظر فقهی پرداخته‌اند.

۴-۲. عمل سیاسی: موضوع اصلی رساله عملیه سیاسیه

در فقه، حق و تکلیف به مکلف نسبت داده شده و موضوع این دانش، فعل مکلف است. دانش فقه از احکام شرعی سخن می‌گوید و چون موضوع احکام شرعی، افعال مکلفان است، موضوع دانش فقه نیز رفتار مکلفان را دربر می‌گیرد. (اعرافی، ۱۳۹۰: ۸۸) بر این اساس می‌توان گفت «رساله‌های عملیه سیاسیه» نیز با فعل یا عمل سیاسی سروکار دارند. هدف این رسایل چارچوب‌مند کردن و سامان‌دهی عمل سیاسی است. رفتار یا عمل سیاسی به هرگونه مشارکت و درگیرشدن فردی و جمعی در فرایند سیاسی یا هر فعالیتی اطلاق می‌شود که در ارتباط با حکومت یا سیاست، پیامد سیاسی داشته باشد (حیدری، ۱۳۸۷: ۱۶).

«رساله عملیه سیاسیه» به حکم ارتباط با عمل سیاسی در چارچوب کلی فقه سیاسی قرار می‌گیرد و در واقع یکی از خروجی‌های فقه سیاسی در قالب «رساله عملیه سیاسیه» است. «منظور از فقه سیاسی تفقه در موضوع‌ها و عمل سیاسی است. فقه سیاسی عبارت است از: ۱) مجموعه‌ای از نظریه‌ها پیرامون عمل انسان سیاسی؛ از آن حیث که انسان سیاسی مورد خطاب شارع مقدس بوده و در برابر این خطاب مسئول است، ۲) مسائل آن هر چیزی است که راجع به عمل سیاسی مکلف باشد، از آن جهت که خطاب شرعی به آن تعلق گرفته است، ۳) برای سامان‌دهی به عمل سیاسی انسان به سامان شرعی به اندازه‌ی وسع بشری برای حصول رشد (راه‌یابی) و رسیدن به رضایت الهی.» (حسنی، ۱۳۸۸: ۱۸۸)

۴-۳. نوع نگاه به عمل سیاسی در رساله عملیه سیاسیه

منظور از چارچوب‌مند کردن و سامان‌دهی عمل سیاسی توسط «رساله عملیه سیاسیه» تعیین کردن حدود واجب و حرام، مکروه و مستحب و مباح در عرصه رفتار سیاسی است. اینکه بر یک فرد مسلمان چه رفتارهایی در عرصه سیاست واجب است که باید انجام دهد و چه رفتارهایی حرام است که نباید آن‌ها را انجام دهد محوریت اصلی «رساله عملیه سیاسیه» است. در بین این واجب و حرام، به ترتیب مستحبات، مباحات و مکروهات قرار می‌گیرد.

بسیاری از اعمال واجب تا حرام در عرصه سیاسی در عرصه‌های دیگر و حتی عرصه‌های فردی هم موضوعیت دارد که به عرصه سیاست نیز کشیده می‌شود. به‌عنوان مثال دروغ در اکثر عرصه‌ها حرام دانسته شده، چه در معاملات، چه در تعاملات افراد با یکدیگر و چه در سیاسیات. اما برخی از واجبات تا حرامات هستند که مختص

رساله‌ عملیه‌ سیاسی؛ چیستی و ضرورت ۳۷

عرصه زندگی سیاسی‌اند و اصولاً در سیاست هستند که موضوعیت پیدا می‌کنند. مثلاً «رأی دادن» فقط در سیاست است که مطرح می‌شود و بحث در حلال و حرام آن در قالب «رساله عملیه سیاسی» موضوعیت می‌یابد. بنابراین اگر یکسری از واجبات تا حرامات در سایر عرصه‌ها نیز مطرح می‌شود منافاتی با طرح مجدد آن‌ها در «رساله‌های عملیه سیاسی» ندارد و این امر وجود این رسایل را ساقط نمی‌کند؛ مضافاً بر اینکه بسیاری از مسائل است که مختص عرصه سیاست بوده و غیراز آن در عرصه دیگری از زندگی فردی و اجتماعی موضوعیت نمی‌یابد.

در این زمینه نکته بسیار مهم آن است که وقتی از «رساله عملیه سیاسی» و کاربرد آن صحبت می‌کنیم و اشاره می‌کنیم که در این رسایل می‌خواهیم بدانیم در عرصه زندگی سیاسی کدام کارها حرام یا واجب است و اصولاً وقتی از سازمان‌دهی زندگی سیاسی مبتنی بر دین صحبت می‌کنیم دو موضوع مطرح است؛ اول آنکه می‌خواهیم بدانیم اعمال ما در عرصه زندگی سیاسی ذیل کدام یک از دسته‌های ۵ گانه مطرح می‌شود و ثانیاً در مورد چگونگی برخی افعال نیز آگاهی یابیم. یعنی اگر دانستیم فلان فعل در عرصه سیاست واجب است، چگونگی انجام آن واجب را هم بدانیم.

۵. ضرورت رساله عملیه سیاسی

جهت تبیین ضرورت رساله‌های عملیه از منظرهای مختلف می‌توان وارد بحث شد. به عنوان نمونه می‌توان از منظر جامعه‌شناسی سیاسی یا حتی جامعه‌شناسی دین به ضرورت این رسایل نگریست-که حقیقتاً جهت تبیین عمیق ضرورت چنین رسایلی از نظرگاه‌های مختلف جای کار جدی وجود دارد-.

در یک ساماندهی کلی می‌توان گفت ضرورت رساله‌های عملیه سیاسی به دو دسته ضرورت‌های نظری و ضرورت‌های عملی تقسیم‌بندی می‌شود. در قالب ضرورت نظری، نگاه درون دینی داشته و به توالی ورود فقه، فقها و رسایل عملیه به سیاست می‌پردازیم و در قالب ضرورت عملی، شرایط امروز جامعه ایران و انقلاب اسلامی را مد نظر قرار می‌دهیم.

۵-۱. ضرورت نظری

۵-۱-۱. ضرورت ورود فقه به عرصه سیاست

پیش از ورود به این بخش باز هم این نکته را متذکر می‌شویم که ما در این مقاله بحث پیوند دین و سیاست را به عنوان پیش فرض پذیرفته‌ایم. وقتی ثابت شد که دین و سیاست باهم پیوند دارند، حال نوبت آن است که به شیوه ورود دین به سیاست نگاهی

بیندازیم. یعنی اگر قرار است دین در سیاست ورود پیدا کند، نحوه این ورود به چه شکلی است؟ به این سؤال از منظرها و زوایای گوناگونی می‌توان پرداخت. آنچه در اینجا به آن می‌پردازیم توجه به ظرفیت «فقه» برای ورود و سازمان‌دهی عرصه سیاست است. «رساله عملیه سیاسیه» در چارچوب فقه تعریف می‌شود و مقدمه ورود رساله عملیه به ساحت سیاست و موضوعیت یافتن «رساله عملیه سیاسیه»، ورود فقه به عرصه سیاست است.

- فقه، دنیایی‌ترین علم دینی

در تبیین ضرورت ورود فقه به عرصه سیاست که به تبع، خود ضرورت ورود «رساله عملیه» به عرصه سیاست را در پی دارد، باید اشاره کرد که در میان علوم دینی، هیچ علمی به اندازه علم فقه «دنیایی» نیست. علم فقه شاید تنها علمی باشد که به صراحت به بحث ظواهر اشاره دارد و همان‌طور که در تعریف آن نیز آمده بود هدفش اعمال و رفتار انسانی است؛ حتی در مواقعی بدون در نظر گرفتن نیت اخلاص در عمل. هرچند فقه نگاه این دنیایی دارد اما در نهایت می‌خواهد سعادت اخروی را رقم بزند و نگاه دنیایی او نیز در همین راستا است. این مسئله را ابوحامد محمد غزالی به خوبی تبیین کرده است آنجا که می‌گوید: «اما تعلق فقه به آخرت، بنفسه نیست، بلکه به واسطه دنیاست که: الدنيا مزرعة الآخرة» (غزالی، ۱۴۱۹ ق: ۱۸) بنابراین فقه ذاتاً علمی این دنیایی است و به واسطه آنکه دنیا مزرعه آخرت است، فقه نیز به آخرت راه می‌یابد. امام خمینی (ره) نیز چنین نگاهی را به فقه دارند البته با شدت کمتری. ایشان نیز علم فقه را علم سامان دادن این دنیا می‌دانند و فقه را «تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور» (خمینی، ۱۳۷۰: ج ۲۱ / ۲۸۹) معرفی می‌کنند. در این بیان امام خمینی (ره) نظر و توجه فقه به دنیا کاملاً روشن و واضح است. از تعبیر «گهواره تا گور» گرفته تا تعبیر «اداره اجتماع» اشاره بیین به توجه فقه به این دنیا دارد. در کنار این نگاه، ایشان فقه را از آخرت جدا نمی‌کنند؛ امام خمینی (ره) درجایی دیگر علم فقه را «علم معاش و معاد» (خمینی، ۱۳۶۹: ج ۲ / ۹۸) می‌دانند.

- حضور سیاست درون فقه

هنگامی که دنیایی بودن علم فقه روشن شد، بهتر می‌توان نسبت سیاست را با آن روشن نمود. سیاست و سیاست ورزی را چه یک علم در نظر بگیریم و چه یک فن و هنر، همواره آن را جزء دنیایی‌ترین علوم و فن‌ها دانسته‌اند. اگر بخواهیم از زاویه دیگر نگاه کنیم، حداقل آن را جز دورترین علوم و هنرها از عالم آخرت و مفاهیم دینی قلمداد

کرده‌اند. مخصوصاً در عصر جدید و پس از رنسانس و با مطرح شدن دیدگاه‌هایی مانند دیدگاه ماکیاوولی در مورد سیاست و پیاده شدن این دیدگاه در عرصه عمل سیاسی، دور بودن سیاست از ساحت دین بیشتر به چشم می‌آید. فارغ از تفسیرهای مختلف از سیاست، همین‌که روشن شد فقه نیز خود یکی از دنیایی‌ترین علوم دینی است، بخش قابل توجهی از فاصله دین و سیاست را پر کرده است.

یکی از اندیشمندانی که با زبانی ساده و درعین‌حال جامع بحث نسبت فقه و سیاست و نیاز سیاست به فقه را تبیین کرده غزالی است. در نظام فکری غزالی سیاست تابعی از علوم شریعت (فقه) است. به نظر او غایت زندگی بشر کسب سعادت است، اما سعادت واقعی سعادت اخروی است. (غزالی، ۱۹۶۴ م: ۳۰۴) وی از دو نوع علم نام می‌برد که برای کسب سعادت لازم‌اند: یکی علم نظری که شامل معرفت به خداوند و صفات او و فرشتگان درگاه اوست و دیگری علم عملی است که مربوط به عمل یا رفتارهای ارادی است. (غزالی، ۱۹۶۴ م: ۲۲۸) این علم همان علم فقه است که غزالی از آن تعبیر به علوم «معامله» می‌کند. علوم معامله یعنی علومی که مربوط به عمل و رفتارهای ارادی است. سپس غزالی در میان علوم عملی به سیاست اشاره می‌کند و پیرو آنکه علم عملی را در چارچوب فقه در نظر می‌گیرد، سیاست را نیز ذیل فقه می‌آورد. غزالی بیان می‌دارد که «دین به منزله ریشه است و سلطان پاسبان آن است و هر چه ریشه نداشته باشد وجود نخواهد داشت و هر چه بی پاسبان بماند ضایع خواهد شد.» (غزالی، ۱۴۱۹ ق: ج ۱/ ۲۷) غزالی از آنجاکه دین را در مقام ریشه در نظر می‌گیرد بقای سیاست را به دین می‌داند. غزالی سیاست را متأثر از علوم شرعی دانسته و آن را در بقای خود محتاج به علوم شریعت می‌شمارد. از نظر غزالی «سیاست» جزئی از علم فقه است؛ او بر این امر چنین استدلال می‌کند: «حاصل فن فقه، شناختن سیاست و حراست از دنیاست.» (غزالی، ۱۴۱۹ ق: ج ۱/ ۱۷)

در میان اندیشمندان معاصر نیز امام خمینی (ره) بودند که علاوه بر عرصه نظری، در عمل نیز سیاست را در دل فقه تعریف نمودند. ایشان به صراحت بیان می‌دارند که «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۱/ ۲۸۹) از نظر امام خمینی (ره) سیاست تابعی از فقه اسلامی است که با تأکید بر نصوص دینی و منابع چهارگانه توسط مجتهدان استنباط می‌شود.

شهید مطهری نیز زمانی که قصد اشاره به فلسفه وجودی فقه را دارند به حضور سیاست در درون آن اشاره می‌کنند. ایشان بیان می‌دارد: «دین اسلام علاوه بر باور به معارف و عقایدی خاص، انجام مقررات و قوانینی را در حوزه فردی و اجتماعی برای باورمندان به این دین فرض کرده و سعادت افراد را درگروی انجام این فرایض قرار داده است. این مقررات که حوزه‌ای فراگیر چون احوالات شخصی، عبادات، سیاسات، اقتصاد، فرهنگ، امورات قضائی و مدنی، نظامی و انتظامی و خانوادگی را دربر دارد، مسلمانان را به این امر واداشت که به درک این آموزه‌ها و معارف از متن کتاب و سنت مبادرت ورزند و چون این کار برای همگان امکان‌پذیر نبود، لذا گروهی به این کار همت گمارده و مرجع مؤمنان در این مسئله قرار گرفتند. و با توجه به اینکه این نیاز در آغازین روزهای صدر اسلام وجود داشت لذا این امر به تأسیس دانشی به نام فقه انجامید و متصدیان این دانش به نام فقیهان شهرت یافتند.» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۶۸-۱۶۹)

بنابراین سیاست جزء حوزه‌هایی است که اسلام در مورد آن قوانین و مقرراتی را وضع نموده است که سعادت انسان درگرو عمل به این قوانین است و وظیفه تعیین این قوانین نیز با فقه است. اگر قرار باشد سیاست را در چارچوب آموزه‌های اسلامی پیاده کرده و عمل کنیم و دین را در سیاست دخیل داده و سیاست دینی را سرلوحه کارمان قرار دهیم لاجرم باید از فقه مدد جست؛ چراکه فقه است که مشخص می‌کند قوانین و مقرراتی که باید در حوزه سیاست پیاده شود چه چیزهایی هستند و ازاینجا مشخص می‌شود که «علم سیاست هم به علم فقه محتاج است.» (یوسفی فخر، ۱۳۸۳: ۱۹۹)

اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق، سیاست و تدبیر همه مربوط به راه و رسم زندگی دنیوی انسان‌هاست که علم فقه مربوط به آن‌ها می‌شود.

۵-۱-۲. ضرورت ورود فقها به عرصه سیاست

در ابتدای این بخش باید نکته‌ای را روشن کنیم و آن این است که در اینجا منظورمان از ورود فقها به عرصه سیاست، ورود اجرایی و میدانی نیست، بلکه ورود از همان منظر فقهی و علمی است. به عبارت دیگر، نوع نگاه ما در بحث ورود فقها به عرصه سیاست آن است که مجتهدان از منظری فقیهانه به تبیین امور سیاسی و تعیین حدود و ثغور فقهی افعال مکلفان سیاسی و مجریان - منظور از مجریان در اینجا صرفاً حکومت‌کنندگان نیست بلکه عامه افرادی که به نحوی در سیاست نقش دارند است از توده مردم و عوام گرفته تا رئیس حکومت - و مراتب و قلمرو اختیارات آن‌ها می‌پردازند و نشان می‌دهند

که تابعیت موارد فوق از فقه اسلامی چرا و چگونه ماهیتی فقهی پیدا می‌کند. اینکه باید فقیه حاکم باشد بحث دیگری است. بحث ما این است که آیا باید فقیه در مورد عرصه عمل سیاسی نظر دهد یا خیر.

حال که مشخص شد منظور از ورود فقیه به عرصه سیاست چیست، می‌توان ضرورت آن را بهتر تبیین نمود. پیش از پرداختن به ضرورت ورود فقها به عرصه سیاست باید یک وظیفه کلی و اساسی فقها را مشخص نمود و آن هم پرداختن فقها به نیازهای جامعه و پاسخ به شبهات در عرصه‌های گوناگون زندگی فرد مسلمان من جمله عرصه سیاست است. «در حوادث واقعه باید به روحانیون رجوع بشود. «حوادث واقعه» چه چیز است؟ حادثه‌ها همین حوادث سیاسی است. حالا احکام جزء «حوادث» نیست. و اما الحوادث الواقعه رجوع کنید به فقها. حوادث همین سیاست هاست. این «حادثه»‌ها عبارت از این‌هایی است که برای ملت‌ها پیش می‌آید. این است که باید مراجعه کنند به کسان دیگر که در رأس مثلاً هستند والا مسئله گفتن و احکام شرعی جزء حوادث نیست. یک چیزهایی است که بود.» (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۸/ ۱۸۶) بنابراین وظیفه پرداختن به نیازهای جامعه و شبهات مطرح در حوزه‌های گوناگون جزء وظایف ذاتی علما می‌باشد و عرصه سیاست نیز از این امر مبرا نیست.

از این امر کلی که بگذریم آن چیزی که باعث می‌شود فقیه به عرصه سیاست ورود پیدا کند حضور فقه در سیاست یا نسبت فقه با سیاست است که در بخش قبل تبیین شد. به تبع جایگاه و ضرورت فقه در سیاست، ضرورت ورود فقها که حاملان فقه هستند نیز در سیاست مشخص می‌شود. فقه را از چه کسی باید انتظار داشت؟ احصاء فتاوی فقهی در عرصه‌های مختلف مبتنی بر اصول و مبانی فقهی وظیفه چه کسی است؟ آیا غیر از فقیه کسی می‌تواند فقاقت کند. در همین زمینه امام خمینی (ره) می‌گوید: «آنچه مربوط به نظارت و اداره عالی کشور و بسط عدالت بین مردم و برقراری روابط عادلانه میان مردم می‌باشد، همان است که فقیه تحصیل کرده است.» (خمینی، ۱۳۵۶: ۱۸۹) «علم فقه و مبادی آن و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن است که متکفل آن علمای ظاهر و فقها و محدثان‌اند که پس از انبیا و اوصیا (ع) قرار دارند.» (خمینی، ۱۳۸۶: ۳۸۷) ایشان درجایی دیگر می‌نویسد: «چون حکومت اسلام حکومت قانون است، قانون‌شناسان و از آن بالاتر دین‌شناسان، یعنی فقها، باید متصدی آن باشند و ایشان هستند که بر تمام امور اجرایی و اداری و برنامه‌ریزی کشور مراقبت دارند. فقها در اجرای احکام الهی امین هستند.» (خمینی، ۱۳۷۸: ۷۲) بنابراین از آنجاکه متکفل علم

فقه فقها هستند، با ورود فقه به عرصه سیاست، ورود فقها نیز به این عرصه موضوعیت می‌باید. ملا احمد نراقی به روشنی وظیفه و جایگاه فقیهان را در عرصه ملک و ملت روشن کرده و می‌گوید: «انتظام امور دنیای مردم وظیفه فقیهان است و جز این راه ملک و ملت اصلاح نخواهد شد.» (نراقی، ۱۳۶۶: ۶۹-۷۲)

۵-۱-۳. ضرورت ورود رساله عملیه به عرصه سیاست

پس از تبیین ضرورت ورود فقه و فقها به عرصه سیاست، اکنون نوبت تبیین ضرورت ورود رساله عملیه به عرصه سیاست است. در واقع این آخرین مرحله مقدماتی شکل‌گیری «رساله عملیه سیاسی» است. با وارد شدن رساله عملیه به عرصه سیاست، بنیان آنچه که ما به‌عنوان «رساله عملیه سیاسی» مطرح می‌کنیم شکل خواهد گرفت. بنابراینچه در مباحث پیشین آمد، مشخص شد با تبیین ورود دین به عرصه سیاست، ضرورت ورود فقه و فقها به عرصه سیاست نیز تبیین می‌شود. یکی از خروجی‌ها و محصولاتی که فقها در چارچوب نظام فقهی تولید می‌کنند «رساله عملیه» بوده و شاید به‌نوعی بتوان گفت یکی از مهم‌ترین خروجی‌های عینی فقاقت فقها - اگر نگوئیم مهم‌ترین خروجی - همین «رساله عملیه» است. «رساله عملیه» تنها محصولی است که غیر از فقیه و مجتهد جامع شرایط کسی دیگر نمی‌تواند آن را به رشته تحریر در بیاورد؛ «رساله عملیه» محصول انحصاری فقاقت و اجتهاد است. بنابراین اگر فقها و مراجع ما بخواهند به عرصه سیاست به شکل نظام‌مند و با نگاهی فقیهانه ورود پیدا کنند - با توجه به تعریفی که از ورود فقها به عرصه سیاست در بخش مربوط آن ارائه دادیم - به جرئت می‌توان گفت مهم‌ترین ابزار در اختیار آن‌ها «رساله عملیه» است.

به نظر می‌رسد هر آنچه غیر از «رساله عملیه» چندان کارایی نداشته باشد. «رساله عملیه» که با ورود به عرصه سیاست دیگر می‌توان آن را «رساله عملیه سیاسی» خواند به شکل رسمی نشان می‌دهد نظر مرجع تقلید در مورد افعال سیاسی چیست. این «رسمی بودن» از مهم‌ترین مؤلفه‌های «رساله عملیه» به شمار می‌رود. بسیار پیش می‌آید که مرجع و فقیهی حکمی را درباره مسئله‌ای - حال چه سیاسی و چه غیرسیاسی - در قالبی خارج از رساله عملیه بیان می‌دارد لکن چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بسیار دیده شده است که متشرعین در مورد حکم فقهی مرجع تقلید خود که در «رساله عملیه» و به شکل رسمی و تدوین شده آمده است تقید قابل توجهی دارند اما به حکم فقهی که خارج از «رساله عملیه» آمده است چندان تقیدی ندارند. گویی به شکلی غیر

رساله عملیه سیاسی؛ چستی و ضرورت ۴۳

از «رساله عملیه» بیان شدن احکام، اعتبار آن احکام را پایین می‌آورد. البته این امر تا حدی طبیعی به نظر می‌رسد چراکه مردم انتظار دارند حکم فقهی در چارچوب و قالب آن، که همان «رساله عملیه» است بیان شود و هر آنچه خارج از آن است را چندان به‌عنوان حکم فقهی تصور نکنند. مخصوصاً که اگر این حکم ماهیت سیاسی و اجتماعی نیز داشته باشد، مردم بر این تصور می‌شوند که مرجعشان خواسته نظری در مورد مسائل جاری روز و مسائل حکومتی داده باشد و آنچه بیان شده را چندان به‌عنوان یک حکم فقهی نمی‌پذیرند.

به‌عنوان نمونه و در توضیح و تبیین بیشتر آنچه گفته شد می‌توان بیان کرد که چرا هنگامی که امام خمینی (ره) در مقام یک مرجع تقلید، شرکت در انتخابات را یک تکلیف شرعی می‌داند (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۵/ ۲۵۰)، این حکم مانند همان حکمی که مثلاً زکات یا نماز یا دادن خمس یا رفتن به حج را یک تکلیف شرعی می‌داند تلقی نمی‌شود؟ چطور این‌گونه برداشت می‌شود که تخلف از نماز و زکات و خمس و حج، به دلیل تکلیف بودن، عقوبت شرعی دارد، اما تخلف از رأی دادن که به حکم همان مرجع تقلید تکلیف است، عقوبت شرعی ندارد؟ وقتی امام خمینی (ره) تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی را شرعاً حرام می‌داند، این حرمت چه فرقی با حرمت تخلف از نماز یا روزه می‌کند؟ به حکم یک مرجع، هر دو عمل حرام است.^۶ چرا به یکی به چشم عملی که دین مشخص کرده و وظیفه دینی است نگاه می‌کنیم اما به دیگری به چشم یک وظیفه دینی نگاه نمی‌کنیم؟ شاید بتوان یکی از دلایل این امر را آن دانست که برای کنش‌های اجتماعی و سیاسی، مانند نماز و روزه، احکام تدوین شده‌ای در قالب «رساله عملیه» نداریم.

۵-۲. ضرورت عملی

۵-۲-۱. نیاز مردم به رساله عملیه در عرصه سیاسی

اصولاً «رساله عملیه» برای مردم است و پاسخی است به خواسته‌ها و نیازهای مردم. عموم مردم از فقه و مباحث و منابع آن فقط «رساله عملیه» را می‌شناسند. تمام تلاش‌ها و مجاهدت‌ها و غورهای فقهی فقها در فقه در عرصه عمومی، خروجی‌اش می‌شود «رساله عملیه» تا به دست مردم رسیده و مردم بر اساس آن بتوانند وظایف و تکالیف دینی خود را شناخته و حلال و حرام و مکروه و مستحب و مباح اعمالشان مشخص

شود. خواست و نیاز مردم فقها را بر آن داشت تا چیزی به نام «رساله عملیه» را تدوین کنند.

نکته‌ای که در این میان مطرح است این است که رساله‌های عملیه ما در برطرف کردن نیازهای مخاطب خود فقط به یک بُعد محدود آن یعنی بُعد زندگی فردی توجه کرده و سایر ابعاد زندگی مسلمین من جمله بعد سیاسی و اجتماعی را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. آیا مسائل سیاسی و اجتماعی جزء مسائل مورد نیاز مسلمین نیست؟ اصولاً ما چه مسئله‌ای را می‌توانیم «مسئله مورد نیاز» بدانیم؟ اگر این امر را مشخص کنیم می‌توانیم گستره «رساله عملیه» را که همان گستره «مسائل مورد نیاز مردم» است را روشن کنیم. «یکی از کارهای بایسته، تعریف دقیق از مسئله مورد نیاز است... مسئله مورد نیاز آن است که در شهر صد هزار نفری در طول سال، چند بار پدید آید. اگر چنین تعریفی را معیار قرار دهیم، خیلی از مسائل موجود در رساله‌ها، باید جای خود را به مسائل دیگری بدهند.» (یزدانی، ۱۳۷۷: ۱۵-۱۶) با این تفسیر رساله‌های ما چندان به‌روز نشده و متناسب با نیازهای زمان ما نیست. بعضی از مسائل باید اضافه و برخی حذف شود. مسائلی داریم که الآن مورد نیاز نیستند و از آن طرف مسائلی داریم که واقعاً مورد نیاز است. اگر آنچه بیان شد را تعریف «مسئله مورد نیاز» نظر بگیریم، چه مقدار مسئله در حوزه اجتماعیات و سیاسات داریم که مورد نیاز است؟ با این تعریف از «مسئله مورد نیاز» آیا سیاست و مسائل آن که روزانه مردم با آن سروکار دارند جزء مسائلی نیست که «رساله عملیه» باید به آن‌ها پردازد.

«اصولاً رساله علمیه، آیین‌نامه زندگی فرد مسلمان است. رساله علمیه، چنانکه از اسم آن پیداست، باید سراسر زندگی شخص مکلف را زیر پوشش قرار دهد و برای تمام جهت‌گیری‌های فردی و اجتماعی او، رهنمود خاصی داشته باشد. متأسفانه امروزه کم‌تر کسی را می‌توان یافت که زندگی خود را با رساله‌های علمیه سامان دهد؛ به عبارت دیگر، فقه اسلامی در زندگی شخص مسلمان غائب است و مسلمانان در روابط فردی و اجتماعی خود، از محیط و فرهنگ رایج پیروی می‌کنند.» (یزدانی، ۱۳۷۶: ۲۱۱)

۵-۲-۲. جمهوری اسلامی و ضرورت رساله عملیه سیاسی

به نظر می‌رسد با شکل‌گیری جمهوری اسلامی در ایران، بیش از هر زمان و دوره دیگری در تاریخ تشیع نیازمند بازشناسی و حتی تدوین رسایلی هستیم که تبیین‌کننده مبانی سازمان‌دهنده زیست سیاسی ما در بستر دین باشد و با شناخت کارکردهای این

رساله‌ عملیه‌ سیاسی؛ چیستی و ضرورت ۴۵

رسایل و بروز کردن آن‌ها متناسب با شرایط زمانی و مکانی، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تحقق زیست دینی در ساحت زندگی سیاسی را فراهم آوریم. چراکه در چند دهه اخیر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دین به صورت رسمی وارد عرصه سیاسی شد. باوجوداینکه در طول تاریخ تشیع همواره حیات اجتماعی و سیاسی شیعیان با دین عجین بوده است، اما پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری حکومت اسلامی تجلی دیگری به حضور دین در عرصه سیاسی بخشید که با گذشته قابل مقایسه نیست. این حضور و تجلی دین در عرصه سیاسی و سازمان‌دهی و معنایابی افعال و کنش‌های سیاسی در چارچوب دین نیازمند یک ضرورت جدی است و آن تدوین مبانی فقهی و مستدل برای این افعال و کنش‌ها است که «رسایل عملیه سیاسی» مهم‌ترین بستر تحقق آن می‌باشد. «اگر رساله‌ها به زبان مردم و برابر با جلوه‌های زندگی اجتماعی [و سیاسی] باشد، در بالا بردن فهم دین و در نتیجه اسلامی شدن جامعه، اثر شایانی خواهد داشت.» (یزدانی، ۱۳۷۶: ۲۱۱)

اگر جمهوری اسلامی مدعی اداره جامعه بر مبنای دین است، یکی از منابعی که می‌تواند به جمهوری اسلامی در این زمینه کمک کند و حداقل در حوزه عمل و رفتار مبنای عمل حاکمان و مردم قرار بگیرد همین «رساله عملیه سیاسی» است. در همین زمینه «شهید صدر بر این عقیده است که وقتی یک رساله عملیه دست یک مسیحی رسید باید طوری باشد که او بفهمد اسلام چگونه جامعه بشری را از هر جهت اداره می‌کند.» (ملکوتی فر، ۱۳۸۵: ۹۵) این دیدگاه شهید صدر به‌خوبی نشان می‌دهد که «رساله عملیه سیاسی» تا چه حد می‌تواند برای یک حکومت دینی راهگشا باشد. هرچند این دیدگاه شهید صدر در مورد نقش رساله‌های عملیه بسیار حداکثری بوده، چراکه انتظار اینکه ما مبتنی بر رساله عملیه بخواهیم جامعه بشری را از هر جهت اداره کنیم، کمی انتظار زیاد و خارج از ظرفیت و توان رساله‌های عملیه است؛ اما حداقل انتظاری که از رساله عملیه در بُعد سیاسی می‌توان داشت این است که رفتارهای مکلفین در بُعد سیاسی را سازمان‌دهی کند و مبنایی باشد برای عمل ایشان در عرصه سیاست.

از طرف دیگر اگر قائل به این بیان امام خمینی (ره) باشیم که «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است»

(خمينی، ۱۳۸۵: ج ۲۱ / ۲۸۹)، حکومت جمهوری اسلامی که در رأس آن یک فقيه قرار دارد و فلسفه عملی آن نیز فقه است، ناگفته پیداست که رساله‌های عملیه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی چه جایگاه و ضرورتی دارد. نمی‌گوییم وقتی حکومت قرار شد به سامان‌دهی این عرصه‌ها پرداخته و از فقه برای مواجهه با آن‌ها استفاده کند تنها ابزار آن رساله عملیه است، اما یکی از مهم‌ترین ابزار آن، رساله‌های تخصصی من جمله «رساله عملیه سیاسیه» است.

در نگاه اول، این دیدگاه کمی سنگین و غیرقابل اجرا به نظر می‌رسد. این امر به آنجا برمی‌گردد که فقه ما به عرصه مختلف و نوظهور ورود پیدا نکرده است. برای همین وقتی بیان می‌شود رساله عملیه و به‌ویژه رساله‌های عملیه تخصصی مانند «رساله عملیه سیاسیه» می‌تواند در سامان‌دهی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کمک کرده و راهگشا باشد، برای مخاطب کمی ناممکن به نظر می‌رسد. به قول آیت‌الله خامنه‌ای «فقه، که کار اصلی ماست، به زمینه‌های نوظهور گسترش پیدا نکرده و یا خیلی کم گسترش پیدا کرده است. امروز خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف این‌ها را معلوم کند، ولی معلوم نکرده است. فقه، توانایی دارد، لیکن روال کار طوری بوده است که فاضل محقق کارآمد به این قضیه پرداخته است، مثل قضیه پول... بسیاری از مباحث حکومتی، مبحث دیات، مبحث حدود و دیگر مسائل قضا برای دستگاه باعظمت قضاوت ما، حل فقهی نشده... بسیاری از مسائل مربوط به زندگی مردم، همین مسئله پیوندها و تشریح‌ها، مباحثی هستند که فقه باید وارد این میدان‌ها بشود. نمی‌شود با نظر سریعی به آن‌ها نگاه کرد و خیال کنیم حل خواهد شد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴، ۹، ۱۳)

در ضرورت نیاز به احکام سیاسی و اجتماعی در قالب «رساله عملیه سیاسیه» در دنیای امروز می‌توان به شاهد مثال تاریخی اشاره نمود و آن شاهد مثال تاریخی، تدوین کتاب «المکاسب» توسط شیخ انصاری است. توضیح آنکه در زمان شیخ انصاری وقتی معاملات و تجارت در بین مسلمین گسترده می‌شود، شیخ احساس می‌کند با توجه به تحولات جدید و گسترش معاملات و تجارت، ضروری است تکلیف مسلمین در این زمینه تبیین شود و مسلمین بدانند برای معاملات و تجارت خود چگونه باید رفتار کنند تا مبتنی بر شرع باشد. هرچند در گذشته نیز تجار و بازاریان سعی می‌کردند بر اساس شریعت اسلامی عمل نموده و علما نیز در باب احکام خیارات و معاملات ورود کرده بودند، لکن کتابی که به‌صورت جامع به این موضوع پرداخته باشد وجود نداشت و

اینجا بود که عالمی بزرگ چون شیخ انصاری ورود کرده، کتابی مانند المکاسب (شامل مکاسب محرمه، خیارات و احکام عمومی معاملات) را می نویسد که امروز جز دروس اصلی حوزه است و هر کس بخواهد در حوزه اقتصاد و معاملات آن وارد شود، اگر بخواهد مبتنی بر احکام اسلامی عمل نماید باید به المکاسب رجوع کند. شرایط آن روز در حوزه اقتصاد مانند شرایط امروز (پس از انقلاب اسلامی) در حوزه اجتماعیات و سیاسات است. امروزه گسترده و پیچیده تر شدن زندگی اجتماعی و سیاسی، وقوع انقلاب اسلامی و به صحنه آمدن دین و تشکیل حکومت اسلامی، حضور و نقش مردم در صحنه تصمیم گیری ها، همه و همه باعث شده مردم بیش از پیش در اجتماعیات و سیاسات دخیل باشند. اگر آن روز شیخ انصاری در حوزه اقتصاد و تجارت این ضرورت را احساس کرد که ورود پیدا کند و نتیجه آن «المکاسب» شد آیا امروز در حوزه اجتماعیات و سیاسات ضرورت ندارد تا بزرگان ورود پیدا کنند و چیزی مانند المکاسب البته در حوزه سیاسی و اجتماعی تدوین شود. همان طور که در المکاسب مشخص شده چه کسبی حلال و چه کسبی حرام است، خیارات چگونه است و احکام عمومی معاملات چیست به نظر می رسد که ضرورت دارد تا کتابی تدوین شده تا مشخص شود کدام کنش اجتماعی و سیاسی حلال و کدام حرام است، احکام عمومی اجتماعیات و سیاسات چیست و امثال آن.

۶. نتیجه گیری

کنشگران سیاسی برای اعمال و رفتار خود چارچوب و مبانی ای دارند که مبتنی بر آن، رفتار سیاسی خود را سامان می دهند. در یک جامعه اسلامی که می خواهد مبتنی بر آموزه های دینی، خود را سامان دهد قطعاً این چارچوب ها را باید از دل دین احصا نمود که یکی از مهم ترین ابزارهای آن «رساله عملیه» در حوزه های مختلف من جمله سیاست است. اگر مبتنی بر دین چنین چارچوب هایی طراحی نشود این چارچوب به شکل دیگری و مبتنی بر مبانی ای تبیین خواهد شد که حتی ممکن است با دین در تضاد باشد. این امر به راحتی بستر عرفی شدن را فراهم خواهد نمود؛ یعنی چیزی غیر از دین و یا حتی ضد دین به سامان دهی رفتار کنشگران سیاسی می پردازد.

برای جامعه اسلامی ایران که می خواهد دینی زیست کند و با شکل دادن به انقلاب اسلامی، این زیست دینی را محدود به حوزه فردی نمی خواهد و می خواهد در عرصه اجتماعی و سیاسی نیز دینی زیست کند ضرورت دارد که به صورت نظام مند و مبتنی بر

مبانی فقهی بدانند باید چگونه در این عرصه عمل کند. عدم تدوین چنین چارچوب‌هایی باعث می‌شود تا ساحت عرفی به راحتی بتواند افعال و کنش‌های سیاسی را از ساحت دینی خارج نموده و در ساحت خود بازتعریف کرده و معنا دهی کند؛ و اگر این فرایند ادامه یابد، عرفی‌گرایی تمام ابعاد زندگی سیاسی و اجتماعی را درخواهد نوردید.

اگر ما در حوزه‌های کنش‌های اجتماعی و سیاسی همانند حوزه‌های فردی، رساله‌های عملیه داشته باشیم و علما همان‌گونه که در حوزه فردی ورود پیدا کرده‌اند، در حوزه اجتماعات و سیاست نیز ورود کرده و حکم شرع مقدس را در این حوزه‌ها تبیین نمایند، مانع مهمی بر سر راه گسترش عرفی شدن و از دایره شرع خارج شدن بسیاری از کنش‌های اجتماعی و سیاسی خواهند بود. روشن نبودن بسیاری از تکالیف در حوزه اجتماعی و سیاسی سبب شده که حتی بسیاری از متدینین نیز آن رفتارها را از دایره دین و تکالیف شرعی خارج بدانند چه برسد به کسانی که اصولاً اعتقادی ندارند.

یک‌زمانی خود رساله‌های عملیه هم نیاز نبودند؛ برحسب نیاز، این رساله‌های عملیه شکل گرفتند. امروز هم اگر «رساله عملیه سیاسی» وجود ندارد یا بسیار کم است دلیل بر آن نمی‌شود که نباید هرگز وجود داشته باشند. یک‌زمانی نیاز نبوده، اما امروز نیاز است و جوامع دینی، برای دینی ماندن نیاز وافر به این مطلب دارند.

اگر نبود رساله‌های عملیه سیاسی و اجتماعی، دیروز یک خلاء بود، امروز یک نیاز است و اگر امروز به این نیاز پاسخ داده نشود فردا ضرورتی می‌شود ضرر آفرین و درنهایت ممکن است عرفی شدن را تسریع کند.

پی‌نوشت

۱ جهت آشنایی بیشتر با نظریه‌های سه‌گانه در مورد اطلاق مفهوم رک: لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۵). «گفتار دینی»، ترجمه‌ی غلام حسین توکلی، مجله معرفت، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۷۵، صص

۲۵-۳۷

۲ دقت شود در هر علمی «ماهیت‌گرایی» تعریف خاص خود را دارد و در بسیاری موارد فقط در لفظ اشتراک دارند. مثلاً در فلسفه تعلیم و تربیت «ماهیت‌گرایی» یک تعریفی دارد و در جامعه‌شناسی یک تعریف دیگر که هیچ‌گونه ارتباطی با هم ندارند.

رساله عملیه سیاسی؛ چیستی و ضرورت ۴۹

۳ ان شاء الله همان طور که در مقدمه نیز ذکر گردید در نگارش های بعدی در مورد «رساله عملیه سیاسی» در باب مصداق شناسی، می توان از نظریه ماهیت گرایی برای شناسایی و تطبیق ویژگی های «رساله عملیه سیاسی» بر مصادیق مورد نظر استفاده نمود.

۴ توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۱ و ۱۴

۵ محمدحسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه و حواشی سید محمد طالقانی، ج ۳، ص ۱۵ به نقل از نجفی، موسی (۱۳۹۲). بنیاد فلسفه سیاسی در ایران عصر مشروطیت، تهران: موسسه مطالعات و تاریخ معاصر ایران، ص ۱۶

۶ البته نباید فراموش کرد که حرام دارای مراتب مختلف است که برخی از آن ها گناه کبیره است و تخلف از مقررات راهنمایی و رانندگی و مانند آن را نمی توان گناه کبیره نامید، بلکه از جمله تخلفات کوچکی است که مجازات آن نیز متناسب با آن می باشد.

کتاب نامه

اعرافی، علی رضا و موسوی، نقی (۱۳۹۰). «گسترش موضوع فقه نسبت به رفتارهای جوانجی»، مجله کاوشی نو در فقه، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۷-۱۳۰

حسینی، ابوالحسن (۱۳۸۸). «تعریف فقه سیاسی و موضوع آن به منزله نخستین مسئله در فلسفه فقه سیاسی»، مجله قیسات، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۶۹-۱۹۱

خمینی، سید روح الله (۱۳۵۶). نامه ای از امام موسی کاشف الغطاء، بی جا، بی نا.

خمینی، سید روح الله (۱۳۶۵). رساله توضیح المسائل، چاپ سوم، قم: روح.

خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹). الرسائل: تشتمل علی مباحث الاضرار والاستصحاب والتعادل والترجیح و الاجتهاد والتقلید و التقیه، مع تزییلات لمجتبی الطهرانی، قم: موسسه اسماعیلیان.

خمینی، سید روح الله (۱۳۷۰). صحیفه نور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

خمینی، سید روح الله (۱۳۸۶). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۱۹ ق). احیاء علوم الدین، تحقیق و تنفیح عبدالله الخالدی، تهران: انتشارات دارالارقم.

غزالی، ابوحامد محمد (۱۹۶۴ م). میزان العمل، قاهره: دارالمعارف.

۵۰ پژوهش‌های علم و دین، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷

لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۵). «گفتار دینی»، ترجمه‌ی غلام حسین توکلی، مجله معرفت، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۷۵، صص ۳۷-۲۵

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). تکامل اجتماعی انسان، تهران: انتشارات صدرا.

ملکوتی فر، ولی الله (۱۳۸۵). «رساله‌های عملیه در بوته نقد شهید صدر»، مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق، شماره ۳، بهار ۱۳۸۵، صص ۹۳-۱۰۴

مهریزی، مهدی (۱۳۹۰)، نخبه: (رساله عملیه فارسی) همراه با چهارده حاشیه از مراجع و فقهای بزرگ شیعه، تصحیح و تحقیق: مهدی مهریزی و محمدحسین درایتی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰
نجفی، موسی (۱۳۹۲). بنیاد فلسفه سیاسی در ایران عصر مشروطیت، تهران: موسسه مطالعات و تاریخ معاصر ایران.

نراقی، احمد (۱۳۶۶). عوائد الایام، چاپ دوم، قم: مکتبه بصیرتی.

یزدانی، عباس (۱۳۷۶). «مروری بر رساله‌های عملیه»، مجله فقه، شماره ۱۳، پائیز ۱۳۷۶، صص ۲۱۰-۲۳۰
یزدانی، عباس (۱۳۷۷). «مروری بر رساله‌های عملیه (۲)»، مجله فقه، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۷۷، صص ۲۸۷-۳۰۵

یوسفی فخر، سید حسین (۱۳۸۳). «نسبت فقه و سیاست از منظر امام خمینی (ره) و غزالی»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه، شماره ۱۰ و ۱۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۳، صص ۱۹۱-۲۱۸